

## تأثیر مدرنیته بر خانواده

فاطمه احمدی<sup>۱</sup>

چکیده

مدرنیته، شیوه‌ای نوین در حوزه‌های مختلف زندگی انسان است که با ارائه سبک جدیدی از زندگی، تحولی فراگیر را در جامعه به ارمغان آورد. برای بررسی این مسئله، مقاله حاضر، پیامدهای مدرنیته در خانواده را بررسی می‌کند. مدرنیته، تأثیرات مثبتی مانند رفاه، سهولت دسترسی به دنیای اطلاعات و... بود، اما پیامدهای منفی نیز به همراه داشت. هدف از بررسی این موضوع، روشن کردن ابعاد منفی مدرنیته بر خانواده است تا با نگاهی نو به این مسئله از اثرات منفی آن بر خانواده به عنوان مهمترین عضو جامعه کاسته شود. نوشتار حاضر بعد از بررسی منابع اسلامی، تحلیلی، جامعه‌شناسی و سایر منابع، با روش فردی، کتابخانه‌ای، توصیفی و کاربردی پس از اشاره به جایگاه خانواده در اسلام و مؤلفه‌های مدرنیته، به پیامدهای منفی مدرنیته از جمله تغییر در ساختار و فرهنگ خانواده و شیوه همسرگزینی، کاهش روابط عاطفی خانواده، نرخ باروری و افزایش طلاق می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** خانواده، مدرنیته، مؤلفه‌های مدرنیته، پیامدهای مدرنیته.

### ۱. مقدمه

خانواده، نهادی طبیعی و اجتماعی بوده که از آغاز خلقت بشر وجود داشته است. با گذر زمان و پیشرفت جوامع بشری، به تدریج در آداب و رسوم و ارزش‌های جوامع، تحولاتی رخ داد. این تحولات، بیشتر از نهاد خانواده آغاز شده و بیشترین دگرگونی‌ها را ایجاد کرد. امروزه، تحول عظیمی در عرصه بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در خانواده دیده می‌شود. آنچه بیش از هر چیز خانواده امروز را از خود متأثر کرده، ورود مدرنیته به فضای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأثیرگذاری آن بر فرد، خانواده و جامعه است. این تأثیرات را میتوان در جنبه‌های مختلف دینی، معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و... به وضوح مشاهده کرده و مورد نقد و بررسی قرار داد. اگرچه مدرنیسم، تأثیرات مثبتی مانند ایجاد رفاه نسبی اعضای خانواده را نیز به دنبال داشته، اما به

۱. دانش پژوه کارشناسی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، از افغانستان.

دلیل گستردگی تأثیرات منفی بر خانواده‌ها در جوامع مختلف، تأثیرات مثبت آن تحت الشعاع قرار گرفته و غالباً نادیده گرفته می‌شود (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۸۰). با تبیین پیامدهای مدرنیته، می‌توان از اثرات منفی آن در سبک زندگی و خانواده کاست. گفتنی است که با وجود بررسی‌های انجام شده در اهمیت پیامدهای مدرنیته در خانواده، منابع زیادی وجود ندارد و تنها برخی پایان‌نامه‌ها و مقالات به این موضوع پرداخته‌اند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. خانواده

خانواده در لغت، خاندان، اهل خانه، اهل بیت و دودمان است. (معین، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹۴) از دیدگاه جامعه‌شناسی گیدنز، خانواده گروهی از اشخاص هستند که با پیوندهای خویشی مستقیم، به هم متصل شده و اعضای بزرگسال آن، مسئولیت نگهداری کودکان را برعهده دارند (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲). براساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی مثل عقد ازدواج یا نسبی مانند والدینی-فرزندی و خواهر و برادری. این افراد نسبت به هم، متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

### ۲-۲. مدرنیته

مدرن در لغت به معنای تازه، نو و باب روز است. (معین، ۱۳۸۸، ص ۳۹) مدرنیته، در اصطلاح به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد، در اروپا پیدا شده و به تدریج، نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۴). در مجموع، واژه‌های مدرن، مدرنیته، مدرنیزاسیون و مدرنیسم، به تحولی اساسی در حوزه‌های مختلف زندگی بشر و ایجاد روش‌های نوین در این زمینه اشاره دارد. این شیوه‌ها، هم می‌تواند در حوزه فلسفه و اندیشه‌های عقلانی مطرح باشد، هم در حوزه هنر و زیبایی و هم در حوزه دین و معرفت دینی. با ورود مدرنیته به هر یک از این عرصه‌ها، آنها دچار تحولات گسترده‌ای می‌شوند. نکته بارز در این پدیده، نفی سنت‌ها و امور ثابت فرهنگی بومی هر کشور است که فرهنگ و ثبات دینی و فرهنگی آن کشور را به چالش می‌کشاند (جوکار، ۱۳۹۳، ص ۸۸۳).

### ۳. جایگاه خانواده در اسلام

آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد که خانواده در اسلام، به عنوان کانون پدیدآورنده آرامش و مهربانی، اهمیت بسزایی دارد. در این میان، نقش والدین و تأثیر خاندان و تأثیرات نسل‌های گذشته، جایگاه ویژه‌ای دارد. این موضوع در رشته‌ها و علوم متعددی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، جرم‌شناسی و علوم تربیتی مورد توجه است. همچنین بررسی اصل ازدواج در آیات و روایات، به اصولی مانند آرامش بخشی ازدواج بر اساس مودت و رحمت، حراست از کرامت انسانی، توسعه اقتصادی و برکت، تداوم و استمرار نسل انسان، مصونیت از احساس گناه یا بهداشت روانی رهنمون ساخته، اهمیت بیش از پیش ازدواج را نمایان می‌کند. (حسینی کوهساری، ۱۳۸۴)

حیات و کمال انسان، در محیط خانواده سامان می‌یابد و انسان به تنهایی نمی‌تواند از ظرفیت‌های وجودی خود بهره‌برداری کند. نکته جالب توجه این است که این ظرفیت‌ها، بیش از آنکه مادی و غریزی باشند، روحی‌اند. شاهد این مطلب آن است که در قرآن، مهمترین فلسفه‌ای که برای ازدواج بیان شده، آرامش‌یابی است. هر چند موارد دیگری مانند تداوم نسل نیز از آثار ازدواج شمرده شده، یگانه موردی که با لام تعلیل آمده، عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم است.

از خانواده در قرآن به عنوان خشت بنای اجتماع یاد شده است. در فرهنگ قرآنی، خانواده همچون دژی مستحکم است و هرگونه روابط نامشروع محکوم شده است. فحشا نیز نوعی تجاوز به حقوق افراد جامعه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هریک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی مانع کند» (نور: ۲). همچنین در جایگاه ارزشی آن می‌فرماید: «ای مردم! از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را [نیز] از جنس او خلق کرد» (نساء: ۱). (چراغی، ۱۳۸۸)

از نظر اسلام، خانواده محل پرورش رشد و تعالی انسان و تکامل شخصیت او و تأمین سایر نیازها است. خداوند متعال بهترین وسیله تسکین و آرامش انسان را در رابطه او با همسر و فرزندان و سایرین قرار داده و جلوه‌های خاص این آرامش را با اهدای اکسیر محبت و مودت و رحمت در بدو ازدواج در قلب زن و شوهر، متجلی کرده که اکسیر محبت، مودت و رحمت در بدو ازدواج در قلب زن و شوهر، متجلی شده است. (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۸۳)

شهید مطهری در رابطه با نقش ازدواج در سیر کمالات معنوی می‌فرماید:

افرادی که در تمام عمر به خاطر هدف‌های معنوی، مجرد زندگی کرده و خواسته‌اند

زن و بچه نداشته باشند که مانع رسیدن آنها به معنویات شود، در همه آنها یک نوع نقص، ولو به صورت خامی وجود داشته است. گویی انسان یک نوع کمال روحی دارد که آن کمال روحی، جز در مدرسه خانواده، در هیچ مدرسه‌ای کسب نمی‌شود. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۶۶)

#### ۴. مؤلفه‌های مدرنیته

##### ۱-۴. اومانیسیم

اومانیسیم، روح غالب عصر مدرن و مهمترین ویژگی و وجه ممیزه عصر جدید بوده و همه ایدئولوژی‌های مدرن مانند لیبرالیسم، مارکسیسم، شکل‌های مختلف سوسیالیسم، ناسیونالیسم و فاشیسم در ذیل آن و ملهم از آن پدید آمده‌اند. (زرشناس، ۱۳۹۰، ص ۳۹) اومانیسیم، با انکار نقش ساحت غیبی در هدایت و راهبری انسان و اصالت بخشیدن به وجه ناسوتی وجود آدمی، به دلیل تقلیل ساحت وجودی او به نفسانیت مداری و حیوانیت، وی را به موجودی مفلوک، تنها، از خودبیگانه، مضطرب، ستیزه‌جو و بی‌ریشه بدل ساخته است. این ویژگی، مهمترین شاخص مدرنیته است که با رنسانس ظهور کرده و در تمام تاریخ مدرنیته، در اشکال و صور مختلف تداوم و بسط یافته و موجب سیطره استیلاجویانه و ابزاری مابین آدمیان و غلبه نهیلیسم بر حیات بشر شده است (زرشناس، ۱۳۹۰، ص ۴۲-۴۳).

##### ۲-۴. سکولاریسم

سکولاریسم، به معنای غیر قدسی کردن یا غیر دینی کردن و به عبارتی عرفی کردن امور است. سکولاریسم، به تعبیر ساده‌تر، یعنی حذف دین و نفس مرکزی و محوری آن از زندگی اجتماعی و سیاسی. عقل مدرن، بالذات سکولاریست است و دین، معیارها و موازین معنوی و استانداردهای متعالی روحانی را از زندگی بشر خارج کرده و می‌خواهد که آدمیان بدون هدایت ساحت قدس و با تکیه بر عقل خودبنیاد انکار، زندگی فردی و جمعی را اداره کنند. (زرشناس، ۱۳۹۰، ص ۵۷)

##### ۳-۴. نسبی‌گرایی

اومانیسیم، به غرب آموخت که راه‌هایی و کامیابی انسان، خود انسان است. پس بی‌اعتنا به هر عامل و باور بیرونی، باید از خود آغاز کرد و گره کار را در این جهان بیروح و بیگانه، با سرانگشت تدبیر خویش گشود. حال از کجا باید آغاز کرد؟ از نظر متفکران غرب، دو راه بیشتر وجود نداشت. یکی راه عقل و اندیشه و دیگری راه آزمون و تجربه. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۲۳)

مدرنیسم، با اعتقاد به حسگرایی و اینکه دستیابی به معرفت و شناخت آن، تنها از طریق حس و تجربه، امکان پذیر است، سبب انکار ارزش های اخلاقی شد. بنابراین، نسبت گرایی از دل چنین تفکری زاییده شد. در مجموع، مدرنیته با مبنا قراردادن انسان در مقابل خدا و تأکید بر آزادی یا لیبرالیسم، افسارگسیخته و از سوئی، مبارزه با سنت ها و هر عرف و عادت مألوف، تحت عنوان امروزی و جدید بودن و نیز با تکیه بر عقل بشری، منقطع از وحی و توجه به اصالت علم و تجربه و انکار ماورای آن، گامی نوین در جهت انحطاط بشری برداشت؛ زیرا با حذف خدا، دین و مذهب از زندگی بشر، به بهانه مبارزه با سنت، به نیازهای روحی و معنوی انسان بی توجهی کرده و بشر نیازمند به معنویت را با احساس خلأ و بحران مواجه کرد. اگرچه مدرنیته به سبب تحولات صنعتی که در زندگی بشر ایجاد نمود، رفاه مادی را تا حدودی به همراه داشت، اما به سبب مبانی نادرست انسان شناسی، فلسفی و معرفتی خود، انسان امروزی را بیش از هر زمان دیگر، دچار نهیلیسم یا پوچ انگاری کرده و همین آسیب ها موجب شده تا تأثیرات مثبت مدرنیسم بر زندگی انسان ها تا حدودی نادیده گرفته شود. (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۸۹)

#### ۴-۵. فردگرایی

فردگرایی، ریشه در جهان بینی و هستی شناسی غرب جدید داشت. با ظهور فردگرایی، ادعا شد که هیچ قدرت بیرونی نباید برخواسته های فردی فرمان براند و یگانه معیار حقیقت، همانا فرد است. عصر جدید، همانگونه که انسان را از طبیعت جدا کرد، انسان ها را نیز از یکدیگر جدا کرد. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۰، ص ۲۸-۲۹)

#### ۵. پیامدهای مدرنیته در خانواده

##### ۱-۵. تغییر در ساختار خانواده

تغییرهای معاصر خانواده های ایرانی، کاهش نقش حمایت گری شبکه خویشاوندی، فردگرایانه شدن ازدواج، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبه ای خانوادگی، کاهش گفتمان خانواده گرایی، کاهش اهمیت فرزندآوری، گسترش از هم گسیختگی پیوندهای خانوادگی و به دنبال آن، افزایش میزان طلاق، کاهش گرایش به تشکیل خانواده و در مقابل، افزایش گرایش به زندگی مجردی است. به منظور درک تغییرهای خانواده در دوران معاصر، لازم است ابتدا وضعیت خانواده، ویژگی و کارکردهای آن در جامعه سنتی به اختصار بررسی شود تا از طریق قیاس بتوان این دگرگونی ها را بهتر مشاهده کرد. (احمدی، ۱۳۸۹)

ویژگی اصلی خانواده‌های سنتی، گسترده‌گی آن است. منظور از خانواده گسترده، این است که در بیش از دو نسل، خویشاوندان نزدیک در کنار یکدیگر و در یک خانواده زندگی می‌کنند. به این ترتیب، یک خانواده گسترده می‌تواند شامل فرزندان مجرد یا متأهل، پدر و مادرها و پدربزرگ و مادر بزرگ آنها باشد. جدای از اینکه فرزندان مجرد، در خانه پدری زندگی می‌کردند، فرزندان متأهل نیز در خانه پدر سکونت داشتند.

به این ترتیب می‌توان گفت که در گذشته، خانواده‌ها از نظر سکونت، بیشتر با خانواده پدر یا در نزدیکی آنها زندگی می‌کردند. در خانواده‌های گسترده و سنتی، مردان نقش نان‌آوری داشتند و زنان مسئول رسیدگی به امور منزل و تربیت فرزندان بودند. فرزندان نیز در امور مربوط به خانواده همکاری داشتند. پسران در کارهای بیرون از منزل و در کنار پدران، دختران در خانه و همپای مادران. به طور کلی، ساختار خانواده گسترده، بر پدرتباری، پدرمکانی و پدرسالاری و اولویت جنسی مذکر استوار بوده است. تحول‌ها و دگرگونی‌های شکل گرفته در نتیجه گذار از سنت به مدرنیته، تمامی ابعاد و زوایای ساختی - کارکردی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. در بعد ساختاری، تغییر خانواده، از گسترده به هسته‌ای، افزایش خانواده‌های تک‌والد، افزایش خانوارهای تک‌نفره و ... نمونه‌ای از این تأثیرها است. در بعد کارکردی، تغییر در کارکردهای مختلف خانواده و یا واگذاری برخی کارکردها به نهادهای دیگر، از جمله این تأثیرها است. (رضایی، ۱۳۹۴)

## ۲-۵. اقتدارگرایی در خانواده

ساختار خانواده‌های امروزی، انحراف از ساختارهای خانواده متعادل اسلامی است که بر اساس تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان و به منظور استحکام و کارایی خانواده طراحی شده است. این انحراف می‌تواند نتیجه تغییر نگرش‌هایی باشد که در زنان و مردان جامعه رخ داده است. نگرش‌هایی مانند تفکرهای فمینیستی که خواهان برابری حقوق زن و مرد در خانواده و در جامعه است. می‌توان گفت که این تغییر در ساختار قدرت، زمینه‌های ظهور خانواده‌های مادرسالار و فرزندسالار، زمینه بروز و تشدید اختلاف‌ها و شکل‌گیری خانواده‌های تک‌والد و در نتیجه طلاق را فراهم می‌کند.

ساختار خانواده در گذشته، به لحاظ قدرت در خانواده‌های سنتی، به صورت عمودی و سلسله‌مراتبی بود. پدر در رأس و مادر و فرزندان به ترتیب در مراتب بعدی قرار می‌گرفتند، اما در دنیای کنونی و مدرن، ساختار طولی قدیم به سمت ساختار اقتدار عرضی تغییر جهت داده

است. به گونه‌ای که در خانواده‌های امروزی، پدر، مادر و فرزندان در یک سطح از تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و هیچ‌کس مجاز به دخالت در امور دیگری یا اعمال نظر خاصی نیست. در حالی که ساختار خانواده دینی، منطبق با ساختار خانواده‌های سنتی است، یعنی به صورت طولی و با ریاست مرد که حیطه گسترده مسئولیت‌های او به همراه توصیه‌های اخلاقی تعریف شده است. (رضایی، ۱۳۹۴)

در خانواده‌های امروزی، قدرت در پدر مرکزیت ندارد، بلکه انتشار یافته است. زنان از طریق منابع غیرمادی مانند هوش، جذابیت و تحصیلات، در خانواده اعمال قدرت می‌کنند و فرزندان از طریق منابعی همچون عواطف، خواسته‌های خود را پیش می‌برند. این تنوع قدرت، مدل سنتی را که فکر می‌کرد منابع قدرت فقط مادی هستند و مرد به واسطه دسترسی به شغل، پول و اموال، اعمال قدرت می‌کند، به چالش می‌کشد. (صادقی، ۱۳۹۲)

### ۳-۵. فردیت‌گرایی در خانواده

فردگرایی، یعنی اینکه افراد به جای اولویت دادن به خواسته‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی، به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت دهند. در جامعه امروزی ایران به خصوص در کلان‌شهرها، انواع جدیدی از خانواده‌ها، زندگی مبتنی بر فردگرایی دارند. مصادیق گسترش فردگرایی، پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی است؛ زیرا سرمایه اجتماعی، از درجه اعتماد به دیگران، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی و قبول تعهدها در قبال دیگران سنجیده می‌شود. (رضایی، ۱۳۹۴) فردیت‌گرایی در نسل جوان، به خصوص گروهی که تحصیلات دانشگاهی کم‌بازده دارند، بیشتر دیده می‌شود؛ زیرا اولویت این گروه خودشان هستند. آنها احساس می‌کنند توسط نسل والدینشان فریب خورده‌اند. مادی‌گرا بوده و به دشواری خود را متعهد می‌کنند. در قبول مراجع قدرت و نفوذ مردد بوده و برای سلسله مراتب، وزنی قائل نیستند. اینها می‌تواند برای خانواده و تحول‌های آتی آن، به لحاظ تشکیل خانواده، دوام خانواده و بچه‌آوری تأثیرگذار باشند. (سرابی، ۱۳۸۵، ص ۵۲-۵۳)

### ۴-۵. تغییر در فرهنگ خانواده

#### ۱-۴-۵. شیوه همسرگزینی و آداب و رسوم ازدواج

تغییر در آداب و رسوم همسرگزینی و ازدواج، از دیگر حیطه‌های مورد هجوم مدرنیته است. نقش مؤثر والدین و بزرگترها در امر انتخاب همسر برای فرزندان، برگزاری مراسم جشن عروسی، توجه به رعایت قوانین و سنت‌ها در این زمینه و مشارکت دادن سایر فامیل در این مسئله، در گذشته،



بسیار مورد توجه بوده است، اما امروزه، تأثیر فردگرایی در جوامع، به خصوص در تصمیمات راجع به نامزدی و ازدواج، به طور واضح دیده می‌شود.

همزمان با صنعتی شدن، شهرنشینی و نوسازی، فرزندان استقلال و کنترل بیشتری بر زمان ازدواج و نیز در انتخاب همسر به دست آورده و ازدواج‌های آنان نیز شکل جدیدتری یافته است. انتخاب همسر که در گذشته بیشتر از طریق پیشنهاد والدین و بزرگترها و یا وساطت شخص دیگر بود، امروزه در موارد متعددی از طریق آشنایی دختر و پسر با یکدیگر در محل کار، تحصیل و یا حتی از طریق فضای مجازی اینترنت و با شیوه چت، صورت می‌گیرد. حتی فراتر از آن، در بعضی ازدواج‌ها نظر پدر و مادر نادیده گرفته می‌شود.

نتیجه نفی سنت‌ها و رفتارهای سنتی که براساس ارزش‌های دینی و یا آداب و رسوم و عرف صحیح اجتماعی شکل گرفته، ایجاد شکاف میان والدین و فرزندان است که این شکاف، علاوه بر تأثیرگذاری بر ابعاد روانی و تضعیف ارتباطات عاطفی والدین و فرزندان، کاهش اقتدار والدین در خانواده را به دنبال دارد. در نتیجه، آنها را با مشکلات تربیتی جدی درباره فرزندان مواجه خواهد کرد. (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۹۸)

#### ۵-۴-۲. افزایش استفاده از رسانه‌ها و ورود فضای مجازی به خانواده

امروزه وسایل ارتباط جمعی تنها محدود به ارائه اطلاعات لازم برای زندگی در جامعه‌ای متجدد و فرامردن نیست، بلکه در بعد وسیع‌تر، اهمیت و عدم اهمیت و مطلوبیت یا نامطلوب بودن پدیده‌ها را تعیین می‌کند. حتی آداب معاشرت و نحوه پوشش را نیز مشخص می‌کند. در این صورت، نمی‌توان رسانه عمومی را فقط در حد یک وسیله دانست. (محمدی نجات، ۱۳۸۷) پروفیسور ساروخانی، معتقد است که فناورانه شدن یا الکترونیکی شدن خانواده، تبعات مثبت و منفی زیادی دارد. تأثیر مثبت آن زمانی است که خانواده، نیازی به تغییرات جغرافیایی و جابجایی مکانی نداشته باشد. (ساروخانی، رضایی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۴)

پیامد منفی الکترونیکی شدن خانواده‌ها را در اصطلاح، انفعالی شدن می‌گویند. کودکی که در ذاتش تحرک وجود دارد و باید با تحرک بزرگ شود، اگر قرار باشد ساعت‌های طولانی جلوی تلویزیون و اینترنت بنشیند، به شکوفایی واقعی نخواهد رسید. الکترونیکی شدن خانواده و مولد شدن آن، می‌تواند به انزوای ثانویه منجر شود. زن و شوهری که تمام طول شبانه‌روز در کنار یکدیگر هستند، ارتباطات غنی شده نخواهند داشت. این انزوای ثانویه باعث می‌شود که خانواده، تنوع ابعادش را از دست داده و دچار نوعی افسردگی ناشی از یکنواختی شود. (ورکیانی، ۱۳۹۰)



### ۳-۴-۵. افزایش سن ازدواج

در طی سال‌های اخیر، متوسط سن ازدواج در بیشتر کشورها افزایش یافته، به طوری که افراد در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. بدیهی است که در سنین بالاتری نیز صاحب فرزند می‌شوند. افزایش سن ازدواج یکی دیگر از پیامدهای مدرنیته است؛ زیرا وقتی رفاه زندگی، که خود از پایه‌های اساسی مبانی فکری مدرنیسم است در جامعه رسوخ کرد، ناگزیر ملاک‌های انتخاب همسر نیز بر پایه توجه به تأمین رفاه کامل در ابتدای زندگی و فراهم بودن تمام امکانات ضروری و غیرضروری، شاخص‌گذاری می‌شود، پس توجه به داشتن مسکن مستقل، تمکن مالی بالا و ...، در رأس خواسته‌های دختر و خانواده او قرار می‌گیرد و چون درصد بسیار کمی از جوانان در ابتدای زندگی امکان فراهم کردن چنین امکاناتی برای همسر خود هستند، این مسئله خود یکی از دلایل بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۹۶)

### ۵-۵. تغییر در روابط خانواده

#### ۱-۵-۵. کاهش روابط عاطفی

در فرهنگ اسلام، خانواده کانون مهر، امنیت و ایمن است و سایه گسترده خانواده، اعضای آن را در مقابل ناملایمات روزگار مصون نگه داشته و نیازهای عاطفی و روانی آنان را تأمین می‌کند. ورود تفکر و فرهنگ غرب در پوشش مدرن شدن و امروزی بودن، باعث سست شدن بنیان خانواده و رواج ارزش‌های مادی و سوداگرانه شده و جنبه‌های انسانی و معنوی روابط افراد را بیش از پیش متزلزل کرده و روابط انسان‌ها به صورت روابط خشک و حساب‌گرانه ماشینی درآمده است. پیامد چنین ارتباطی، علاوه بر احساس عدم امنیت روانی فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی، سبب افزایش افسردگی و یا بزهکاری در آنها می‌شود. (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۹۳)

یکی از دلایل بسیار مهم کاهش ارتباطات عاطفی در خانواده، مشغله بیش از حد والدین، به ویژه مادر است؛ زیرا خستگی مفرط زن به دلیل کار بیرون از منزل، سبب کاهش تعامل او با همسر و فرزندان شده و توان پاسخگویی به نیازهای عاطفی آنها را ندارد.

این موضوع در دراز مدت، آنها را با کاهش ارتباط با یکدیگر و در نتیجه، کم شدن ارتباطات عاطفی و کمبود محبت مواجه کرده و سبب بروز سایر مشکلات می‌شود. با اندکی دقت، چگونگی نقش مدرنیسم در بروز این پدیده روشن می‌شود؛ زیرا یکی از علل رغبت زنان به اشتغال خارج از منزل، انقلاب صنعتی و به تبع آن ایجاد اشتباهی کاذبی است که نظام سرمایه‌داری غرب برای رسیدن به اهداف خود در زنان اروپایی ایجاد کرد و با شعار مالکیت زن، زن را از خانه خارج و به

استخدام کارخانه درآورد. (جوکار، ۱۳۹۳)

ویلیام گاردنر می‌گوید:

سوئد، کانادا و همه دولت‌های رفاه، دریافته‌اند که بهترین راه دستیابی به درآمدهای مالیاتی بیشتر و کار ارزانتر، آن است که زنان و به ویژه مادران را به کار فراخوانند. (گاردنر، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸)

امروزه در کشور ایران نیز برخی زنان با تاسی به دستاوردهای نظام سلطه، چون نقش مهم مادری و همسری زن را نقشی سنتی دانسته و معتقدند که این نقش‌ها اموری تکراری و ملال‌آور هستند، به بهانه امروزی و مدرن بودن، با کم‌اهمیت جلوه دادن این نقش‌ها، دستیابی به اشتغال خارج از منزل را ترجیح داده‌اند. به این ترتیب، در جامعه، نگرشی مبتنی بر ارزش دانستن اشتغال زن در هر شغل و با هر شرایطی ایجاد شده که اشتغال را برای زنان نوعی جایگاه و منزلت اجتماعی می‌داند و چه آسیب‌هایی که از ناحیه این بینش متوجه خانواده خواهد شد؟! (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۹۴)

#### ۵-۲. افزایش طلاق

از پیامدهای مدرنیته، بالا رفتن آمار طلاق در کشورهای مختلف غربی در سال‌های اخیر است. در مورد زوج‌هایی که در سال ۱۹۰۰ ازدواج کرده بودند، از هر بیست ازدواج، یکی به طلاق ختم شد، حال آنکه این رقم در مورد ازدواج‌های سالیان اخیر، به یک طلاق در هر شش ازدواج بالغ شده است.

در سال ۱۹۷۷، ایالات متحده، شاهد چهل و هشت طلاق در هر صد ازدواج بود. (سگالن، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷) در بریتانیا، با هر اصلاح و تعدیلی که در قوانین صورت گرفته، میزان طلاق افزایش داشته است. تا سال ۱۹۹۱ در بریتانیا در مقابل هر دو ازدواج، یک طلاق صورت گرفته است (برناردز، ۱۳۸۴، ص ۲۴۸). در ایران، با بررسی آمارهای مربوطه، رشد میزان طلاق به وضوح دیده می‌شود. بر اساس آمار ارائه شده از سوی دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، کل طلاق‌های ثبت شده در سه ماهه اول سال ۱۳۷۳، ۷۸۷۴ مورد بوده که این رقم در سه ماهه اول سال ۱۳۷۴ به ۷۷۵۹ مورد افزایش یافته است (سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی).

با مقایسه همین آمار با آمار طلاق در زمان مشابه آن در سال ۱۳۸۷، به دست می‌آید که ۲۵۳۶۲ مورد بوده و سپس در تابستان، میزان طلاق در سه ماهه اول سال ۱۳۸۷ همان سال به

۲۷۶۸۸ مورد و در پاییز به ۲۷۹۸۳ مورد افزایش یافته است. در زمستان همان سال، این میزان به ۲۹۴۷۷ مورد رسیده است. (سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی) با مقایسه این ارقام با یکدیگر، رشد آمار طلاق، مشخص است (جوکار، ۱۳۹۱، ص ۸۹۵).

نفوذ اندیشه‌های مدرنیستی و فردگرایانه، با ترجیح منافع فردی بر مصلحت خانوادگی، به افزایش ناسازگاری زوجین دامن زده و زمینه اختلاف و جدایی را فراهم می‌کند؛ زیرا در اندیشه مدرنیستی، اصالت با فرد و خواسته‌های شخصی اوست. هر چیز که در رویارویی با این اصل قرار گیرد، باید از میان برداشته شود. بدون شک در زندگی مشترک، موقعیت‌هایی پیش می‌آید که زن یا مرد ناچارند خواسته شخصی خود را فدای مصلحت خانوادگی کرده، به جای واگرایی، به همگرایی روی آورند. این رویکرد به دلیلی که بیان شد، با دیدگاه مدرنیستی و مبنای لیبرالیستی و فردگرایی مدرنیته در تعارض است، پس در فضای اندیشه‌های مدرنیستی، به جای تقویت روحیه جمعی و گذشت و ایثار در خانواده، به سادگی سخن از طلاق و جدایی به میان می‌آید. (جوکار، ۱۳۹۱)

#### ۵-۶. کاهش نرخ باروری

یکی از تأثیرات مدرنیته که بسیار چشمگیر بوده، کاهش تدریجی باروری است. این موضوع، بر روی سالخورده‌گی جمعیت نیز اثر دارد، به گونه‌ای که ادامه این روند در آینده، می‌تواند خانواده را با چالش‌هایی مواجه کند. (صادقی، ۱۳۹۲) از تأثیرات مدرن شدن در جوامع اسلامی، رشد تدریجی شهرنشینی بود. با ورود مردم به شهرها، تمایل به باروری نیز در آنها کاهش یافت. کاهش نرخ باروری، نتیجه غالب شدن گفتمان فرزند کمتر، زندگی بهتر در بین خانواده‌ها است. این شعار جانشین تمام ارزش‌هایی شده که داشتن چند فرزند برای دستگیری از پدر و مادر در روزگار پیری را توجیه می‌کرد. با مقایسه‌ای ساده میان نسل‌های گذشته و نسل امروز، می‌توان دید که امروزه از میزان اهمیت فرزند در خانواده، کاسته شده است (رضایی فسایی، ۱۳۹۴).

بر اساس این دیدگاه، وجود فرزند زیاد، موجب تحمیل هزینه‌های زیادی است و چون اصالت با انباشت سود و سرمایه است، داشتن فرزند زیاد، توجیه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر، اساس دیدگاه مدرنیستی، تأکید بر رفاه بیشتر و لذت حداکثری است. با این بینش، شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر تفسیری اومانستی دارد؛ زیرا نیاز فرزند به مراقبت در طفولیت و پس از آن و نیز محدودیت‌های دیگری که فرزندآوری برای والدین ایجاد می‌کند، هم مانع رفاه و آسایش آنان است و هم مانع کامیابی کامل آنها از زندگی، و فرزند پدیده‌ای منفی و مزاحم است. بنابراین،

مدرنیته به دلیل ماهیت رفاه طلب و لذت‌گرای خود، نقش اساسی در کاهش جمعیت داشته است. (جوکار، ۱۳۹۱)

## ۶. نتیجه‌گیری

خانواده، مهمترین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی است که انسان از بدو تولد در آن قرار می‌گیرد. از دیرباز تا کنون، خانواده با بسترسازی مناسب برای رفع نیازهای انسان، مرکز آرامش و تربیت بشر بوده است. با ظهور مدرنیته و ورود الگوهای تربیتی بیشتر و رسانه در عصر مدرن، خانواده با چالش‌های جدی مواجه شد. اگر چه سبک زندگی مدرن، اثرات مثبتی به همراه داشت، اما رویکرد نظام سلطه و مبانی انسان‌محوری مدرنیته، با اهداف الهی و اسلامی خانواده، در تضاد بوده و موجب پیامدهای منفی برای این نهاد اجتماعی شد. اولین پیامد آن، تغییر در ساختار خانواده بود که موجب کاهش اقتدارگرایی و جایگزینی فردمحوری به جای جمع‌گرایی شد. پیامد دوم، تغییر در فرهنگ خانواده است که اثرات آن را در تغییر شیوه همسرگزینی، افزایش سن ازدواج و استفاده از رسانه و در نتیجه دور شدن از فضای گرم خانواده می‌توان دید. پیامد سوم، کاهش روابط عاطفی در فضای خانواده و افزایش طلاق است. آمارهای رو به کاهش نرخ باروری نیز حاکی از عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری است که یکی از علت‌های این امر، سرد شدن روابط زوجین است. با بررسی بیشتر اثرات منفی مدرنیته، می‌توان از شدت آن کاسته و خانواده را از هجمه‌های نظام سلطه در امان نگاه داشت.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۳). مترجم: انصاریان، حسین. قم: اسوه.
۱. احمدی، علی (۱۳۸۹). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران. تهران: انتشارات شهر.
  ۲. برناردز، جان (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. تهران: نشر نی.
  ۳. جوکار، محبوبه (۱۳۹۱). گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی. تهران: نشر پیام عدالت.
  ۴. جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۲(۲).
  ۵. چراغی، طیبیه (۱۳۸۸). جایگاه خانواده در اسلام. نشریه طوبی، ۳۳.
  ۶. حسینی کوهساری، اسحاق (۱۳۸۴). پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام. نشریه پژوهش‌های دینی، ۲.
  ۷. رضایی، مریم (۱۳۹۴). تأثیر مدرنیسم بر خانواده‌های جامعه اسلامی. تهران: مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلینا.
  ۸. زرشناس، شهریار (۱۳۹۰). مبانی نظری غرب مدرن. تهران: نشر کتاب.
  ۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۰). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: نشر هاجر.
  ۱۰. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵). خانواده در نگرش اسلام و جامعه‌شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۱۱. ساووخانی، باقر، رضایی، سیده زهرا (۱۳۹۷). نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. سال ۱۳. شماره ۴۴.

۱۲. سرایی، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲.
۱۳. سگالن، مارتین (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. تهران: نشر مرکز.
۱۴. صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۲). عرفان منش، ایمان، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. نشریه زن در فرهنگ و هنر. شماره (۵).
۱۵. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). پیامدهای مدرنیته. تهران: نشر مرکز.
۱۷. محمدی نجات، محمدرضا (۱۳۸۷). نگاهی گذرا به تصویر زن مسلمان در رسانه‌های غربی. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). تعلیم تربیت در اسلام. تهران: صدا.
۱۹. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.
۲۰. ورکیانی، فرحناز (۱۳۹۰). نشریه خانواده ایرانی، امروز، دیروز، فردا. گفتگو با دکتر باقر ساروخانی. نشریه آموزش علوم اجتماعی، ۳ (۸).

